



کتاب کار عربی زبان قرآن دهم

(رشته‌های علوم تجربی - ریاضی فیزیک و فنی حرفه‌ای)

ابوالحسن نصیری زاده

علی اصغر اکبری فرد



فهرست

درس اول

۷	درس نامه (یادآوری قواعد متوسطهٔ اول)
۱۶	التمارين العامة
۲۶	آزمون درس اول
۲۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

درس دوم

۳۳	درس نامه (اعداد اصلی و ترتیبی)
۳۶	التمارين العامة
۴۶	آزمون درس دوم
۴۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

امتحان میان‌ترم اول

۵۲

درس سوم

۵۵	درس نامه (ثلاثی مجرد و مزید)
۵۸	التمارين العامة
۶۸	آزمون درس سوم
۷۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

درس چهارم

۷۳	درس نامه (ادامهٔ باب‌های ثلاثی مزید)
۷۷	التمارين العامة
۸۸	آزمون درس چهارم
۹۱	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

امتحان ترم اول

۹۴

۹۷ ————— **درس پنجم**

- ۹۷ درس نامه (جمله فعلیه و اسمیه)
- ۱۰۳ التمارین العامّة
- ۱۱۱ آزمون درس پنجم
- ۱۱۴ پرسش های چهارگزینه ای

۱۱۷ ————— **درس ششم**

- ۱۱۷ درس نامه (معلوم و مجهول)
- ۱۲۰ التمارین العامّة
- ۱۲۸ آزمون درس ششم
- ۱۳۱ پرسش های چهارگزینه ای

۱۳۴ ————— **امتحان میان ترم دوم**

۱۳۷ ————— **درس هفتم**

- ۱۳۷ درس نامه (جارو مجرور)
- ۱۴۰ التمارین العامّة
- ۱۵۰ آزمون درس هفتم
- ۱۵۳ پرسش های چهارگزینه ای

۱۵۵ ————— **درس هشتم**

- ۱۵۵ درس نامه (مشتقات: اسم فاعل - اسم مفعول - اسم مبالغه)
- ۱۵۸ التمارین العامّة
- ۱۶۷ آزمون درس هشتم
- ۱۷۰ پرسش های چهارگزینه ای

۱۷۳ ————— **امتحان پایان سال (ترم دوم) شماره ۱**

۱۷۷ ————— **امتحان پایان سال (ترم دوم) شماره ۲**



1 - اسم اشاره:

برای اشاره کردن به نزدیک و دور به کار می‌رود و عبارتند از:

الف) اسم اشاره للقریب:

جمع	مثنی	مفرد	عدد / جنس
هؤلاء	هذان - هذین	هذا	مذکر
هؤلاء	هاتان - هاتین	هذه	مؤنث

ب) اسم اشاره للبعید:

جمع	مثنی	مفرد	عدد / جنس
أولئك	ذانک - ذینک	ذلك	مذکر
أولئك	تانک - تینک	تلك	مؤنث

مثنای اسم اشاره به دور در کتاب‌های درسی کاربرد ندارد.



اگر اسم بعد از اسم اشاره، دارای «ال» باشد، اسم اشاره را حتماً به صورت مفرد ترجمه می‌کنیم، هرچند مثنی و یا جمع باشد. و اگر اسم بعد از اشاره بدون «ال» باشد، اسم اشاره را طبق صیغه‌اش ترجمه می‌کنیم.





هؤلاء الرجالُ مؤمنونَ. این مردان، مؤمن هستند.
 هؤلاء رجالٌ مؤمنونَ. اینان مردانی باایمان هستند.
 اولئك الطالباتُ مجتهداتٌ. آن دانش‌آموزان تلاشگر هستند.
 اولئك طالباتٌ مجتهداتٌ. آنان دانش‌آموزان تلاشگری هستند.

2 - کلمات پرسشی:

هَلْ: آیا
 أ: آیا
 ما: چه، چیست، چه چیزی
 ماذا: چه چیزی، چه
 كيف: چگونه
 أَيْنَ: کجا
 متى: چه وقت
 مَنْ: چه کسی، چه کسانی
 كَمْ: چند، چقدر
 لماذا (لم): چرا، برای چه
 بماذا (بم): به چه وسیله، با چه چیز
 أی: کدام
 علی ما (علام): بر چه اساسی

3 - فصل‌های سال:

الرَّبيع: بهار الصَّيف: تابستان الخريف: پاییز الشتاء: زمستان

4 - روزهای هفته:

السَّبْت: شنبه الأحد: یکشنبه الإثنين: دوشنبه الثلاثاء: سه‌شنبه
 الأربعاء: چهارشنبه الخميس: پنج‌شنبه الجمعة: جمعه

5 - اعداد اصلی از 1 تا 12:

واحد: 1 إثنان: 2 ثلاثة: 3 أربعة: 4
 خمسة: 5 ستة: 6 سبعة: 7 ثمانية: 8
 تسعة: 9 عشرة: 10 أحد عشر: 11 إثناعشر: 12

6 - اعداد ترتیبی از یکم تا دوازدهم:

اول: یکم ثانی: دوم ثالث: سوم رابع: چهارم
 خامس: پنجم سادس: ششم سابع: هفتم ثامن: هشتم
 تاسع: نهم عاشیر: دهم حادی عشر: یازدهم ثانی عشر: دوازدهم



ساعت‌های شبانه‌روز را با اعداد ترتیبی بیان می‌کنیم به جز ساعت یک که از الواحده استفاده

می‌کنیم: الساعة الواحده



ساعت 3:00 ← الساعة الثالثة تماماً	ساعت 6:15 ← الساعة السادسة والرُّبْع
ساعت 11:00 ← الساعة الحادية عشرَة تماماً	ساعت 4:15 ← الساعة الرابعة والرُّبْع
ساعت 9:30 ← الساعة التاسعة والنِّصْف	ساعت 5:45 ← الساعة السادسة إِيَّا رُبْعاً
ساعت 10:30 ← الساعة العاشرة والنِّصْف	ساعت 1:45 ← الساعة الثانية إِيَّا رُبْعاً

7 - ضمير:

كلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود و از تکرار آن جلوگیری می‌کند و به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) ضمير منفصل (جدا)	من: أنا	ما: نحن
	تو: أنت - أنتِ	شما: أنتم - أنتنَّ
	او: هو - هي	ایشان (آنها): هما - هم - هنَّ
ب) ضمير متصل (پیوسته)	م (من): ي	ما (ما): نا
	ت (تو): ك - كِ	تان (شما): كُما - كُنَّ
	ش (او): ه - ها	شان (آنها): هُما - هُم - هُنَّ

8 - انواع اسم از نظر جنس:

الف) مذکر:

اسمی است که نشانه مؤنث (ة، ة...) ندارد. مثال: رَجُل، طالب، کتاب و ...

ب) مؤنث:

اسمی است که اغلب نشانه تانیث (مونت) دارد. مثال: إِمْرَأَة، طالبة، شَجَرَة و ...



بعضی از اسم‌ها بدون داشتن علامت تانیث، مونت به حساب می‌آیند و قواعد مؤنث می‌گیرند. مثال: أم، بنت، أخت، مريم، يد، رجل (پا)، عَيْن، أذن، أرض، شَمْس، نَفْس و ...

9 - انواع اسم از نظر عدد (تعداد):

الف) مفرد:

اسمی است که بر یکی دلالت می‌کند و هیچ نشانه مثنی و جمعی ندارد. مثال: رَجُل، مُعَلِّم، طالبة و ...

ب) مثنی:

اسمی است که بر دو تا دلالت دارد و با افزودن «ان - ين» به آخر اسم مفرد بدست می‌آید. مثال: رَجُلَان، رَجُلَيْن -

مُعَلِّمَان، مُعَلِّمَيْن - طَالِبَتَان، طَالِبَتَيْن و ...

(ج) جمع:

اسمی است که بر بیش از دو نفر یا دو چیز دلالت دارد. مثال: رجال، مُعَلِّمُونَ، طالبات ...

انواع جمع:

- 1- جمع سالم
الف) جمع مذکر سالم: دو علامت دارد: «ونَ - ینَ» مثال: مؤمنون، مؤمنین ...
ب) جمع مؤنث سالم: یک علامت دارد: «ات» مثال: مؤمنات، طالبات ...



جمع مذکر سالم فقط برای انسان به کار می‌رود و جمع مؤنث سالم هم برای انسان به کار می‌رود و هم غیر انسان.

2- جمع مکسر

علامت خاصی ندارد و از تغییر شکل کلمه مفرد به دست می‌آید.



رجال ← جمع «رَجُل» أطفال ← جمع «طفل» علوم ← جمع «علم» مدارس ← جمع «مدرسة»
أولاد ← جمع «ولد» نصوص ← جمع «نص» قواعد ← جمع «قاعدة» ...

10- حروف اصلی و وزن کلمات:

در بسیاری از کلمات عربی، یک ریشه سه حرفی است که به آن، حروف اصلی گویند. برای پیدا کردن حروف اصلی کافی است برای آن کلمه دو یا چند هم خانواده بنویسیم؛ حروف مشترکی که در همه هم‌خانواده‌ها به ترتیب آمده‌است، حروف اصلی هستند.



حروف اصلی	کلمات هم خانواده
(ش ه د)	شَهِيد، شُهَدَاء، مُشَاهِدَةٌ، مَشْهُود، شَاهِد، تَشْهَدُ ...
(ع ل م)	عَالِم، معلوم، عَلِيم، إِعْلَام، تَعْلِيم، مُعَلِّم، عُلُوم، تَعَالِيم ...

برای پیدا کردن وزن کلمات، بعد از پیدا کردن حروف اصلی، به جای حروف اصلی به ترتیب «ف - ع - ل» قرار می‌دهیم و سایر حروف (حروف زائد) را بدون تغییر اضافه می‌کنیم، وزن کلمه به دست می‌آید.



تَحْمِيل ← (ح م ل) تَفْعِيل
تَشَابُه ← (ش ب ه) تَفَاعُل
إِكْتِسَاب ← (ک س ب) إِفْتِعَال
نَاصِر ← (ن ص ر) فَاعِل
مَكْتُوب ← (ک ت ب) مَفْعُول
رَحِيم ← (ر ح م) فَعِيل



کلمات بر وزنِ «فَاعِلٍ» (اسم فاعِل) معنی کننده‌ی کار دارد. **مثال:** کاتب ← نویسنده
و کلماتِ برونِ «مَفْعُولٍ» (اسم مفعول) معنی صفتِ مفعولی (کسی یا چیزی که کار بر روی آن انجام شده) دارد.
مثال: مکتوب ← نوشته شده

11 - ترکیب وصفی (موصوف و صفت):

(اسم + «ی» یا «ی» + صفت)

کتاب مفید: الكتابُ المفیدُ درختی زیبا: شجرةٌ جميلةٌ



صفت غالباً از لحاظِ مفرد و مثنی و جمع (عدد) و مذکر و مؤنث (جنس) و ... با موصوف، مطابقت دارد.
«اگر موصوف، جمع غیرانسان باشد، صفتِ آن به صورتِ مفردِ مؤنث می آید.»

الرجالُ المسلمون: مردانِ مسلمان تمریناتِ جدیدة: تمریناتی جدید

12 - ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه):

(اسم + «ی» + اسم یا ضمیر)

دیوارِ مدرسه: جدارُ المدرسة کتابِ محمد: کتابِ محمدِ قلمِ تو: قلمُکِ ...



مضاف هیچ گاه «ال» و یا تنوین نمی گیرد.



اگر ضمیری به یک اسم، متصل شود، مضاف و مضاف الیه شکل می گیرد.



صدیقی / صُفوفهم / کتابک / بیتهَا ...

تذکر: گاهی یک اسم، هم زمان هم صفت می گیرد و هم مضاف الیه. در زبان عربی ابتدا مضاف الیه می آید و بعد صفت ولی در فارسی اول صفت می آید و بعد مضاف الیه.



خاتمها الذَّهَبِيّ: انگشتر طلائی اش

أخِي الأكبر: برادر بزرگتر من

مضاف مضاف الیه صفت مضاف صفت مضاف الیه مضاف موصوف موصوف

لُغَةُ الْمُسْلِمِينَ الْمَشْرُوكَةِ: زبان مشترک مسلمانان

مَزْرَعَتِنَا الْكَبِيرَةُ: مزرعه بزرگمان

مضاف مضاف الیه صفت موصوف

مضاف مضاف الیه صفت موصوف

یادآوری افعال و ضمایر به شیوه قبل

نویسه	صیغه	ضمایر منفصل	ضمایر متصل	ماضی	نقی ماضی	مضارع	نقی مضارع	مستقبل	امر	نهی
1	مفرد مذکر غایب (لِلغَائِبِ)	هُوَ او	ه او (ش)	ذَهَبَ رفت	مَا ذَهَبَ نرفت	يَذْهَبُ می‌رود	لَا يَذْهَبُ نمی‌رود	سَيَذْهَبُ خواهد رفت		
2	مثنی مذکر غایب (لِلغَائِبَيْنِ)	هُمَا آن‌ها	هُمَا آن‌ها (شان)	ذَهَبَا رفتند	مَا ذَهَبَا نرفتند	يَذْهَبَانِ می‌روند	لَا يَذْهَبَانِ نمی‌روند	سَيَذْهَبَانِ خواهند رفت		
3	جمع مذکر غایب (لِلغَائِبِينَ)	هُمْ آن‌ها	هُمْ آن‌ها (شان)	ذَهَبُوا رفتند	مَا ذَهَبُوا نرفتند	يَذْهَبُونَ می‌روند	لَا يَذْهَبُونَ نمی‌روند	سَيَذْهَبُونَ خواهند رفت		
4	مفرد مؤنث غایب (لِلغَائِبَةِ)	هِيَ او	ها او (ش)	ذَهَبَتْ رفت	مَا ذَهَبَتْ نرفت	تَذْهَبُ می‌رود	لَا تَذْهَبُ نمی‌رود	سَتَذْهَبُ خواهد رفت		
5	مثنی مؤنث غایب (لِلغَائِبَتَيْنِ)	هُمَا آن‌ها	هُمَا آن‌ها (شان)	ذَهَبَتَا رفتند	مَا ذَهَبَتَا نرفتند	تَذْهَبَانِ می‌روند	لَا تَذْهَبَانِ نمی‌روند	سَتَذْهَبَانِ خواهند رفت		
6	جمع مؤنث غایب (لِلغَائِبَاتِ)	هُنَّ آن‌ها	هُنَّ آن‌ها (شان)	ذَهَبْنَ رفتند	مَا ذَهَبْنَ نرفتند	يَذْهَبْنَ می‌روند	لَا يَذْهَبْنَ نمی‌روند	سَيَذْهَبْنَ خواهند رفت		
7	مفرد مذکر مخاطب (لِلْمُخَاطَبِ)	أَنْتَ تو	كَ تو (ت)	ذَهَبْتَ رفت	مَا ذَهَبْتَ نرفت	تَذْهَبُ می‌روی	لَا تَذْهَبُ نمی‌روی	سَتَذْهَبُ خواهی رفت	إِذْهَبْ برو	لَا تَذْهَبْ نرو
8	مثنی مذکر مخاطب (لِلْمُخَاطَبَيْنِ)	أَنْتُمَا شما	كُمَا شما (تان)	ذَهَبْتُمَا رفتید	مَا ذَهَبْتُمَا نرفتید	تَذْهَبَانِ می‌روید	لَا تَذْهَبَانِ نمی‌روید	سَتَذْهَبَانِ خواهید رفت	إِذْهَبَا بروید	لَا تَذْهَبَا نروید
9	جمع مذکر مخاطب (لِلْمُخَاطَبِينَ)	أَنْتُمْ شما	كُمْ شما (تان)	ذَهَبْتُمْ رفتید	مَا ذَهَبْتُمْ نرفتید	تَذْهَبُونَ می‌روید	لَا تَذْهَبُونَ نمی‌روید	سَتَذْهَبُونَ خواهید رفت	إِذْهَبُوا بروید	لَا تَذْهَبُوا نروید
10	مفرد مؤنث مخاطب (لِلْمُخَاطَبَةِ)	أَنْتِ تو	كَ تو (ت)	ذَهَبْتِ رفت	مَا ذَهَبْتِ نرفت	تَذْهَبِينَ می‌روی	لَا تَذْهَبِينَ نمی‌روی	سَتَذْهَبِينَ خواهی رفت	إِذْهَبِي برو	لَا تَذْهَبِي نرو
11	مثنی مؤنث مخاطب (لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ)	أَنْتُمَا شما	كُمَا شما (تان)	ذَهَبْتُمَا رفتید	مَا ذَهَبْتُمَا نرفتید	تَذْهَبَانِ می‌روید	لَا تَذْهَبَانِ نمی‌روید	سَتَذْهَبَانِ خواهید رفت	إِذْهَبَا بروید	لَا تَذْهَبَا نروید
12	جمع مؤنث مخاطب (لِلْمُخَاطَبَاتِ)	أَنْتُنَّ شما	كُنَّ شما (تان)	ذَهَبْتُنَّ رفتید	مَا ذَهَبْتُنَّ نرفتید	تَذْهَبْنَ می‌روید	لَا تَذْهَبْنَ نمی‌روید	سَتَذْهَبْنَ خواهید رفت	إِذْهَبْنَ بروید	لَا تَذْهَبْنَ نروید
13	متکلم وحده (لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ)	أَنَا من	ي من (م)	ذَهَبْتُ رفتم	مَا ذَهَبْتُ نرفتم	أَذْهَبُ می‌روم	لَا أَذْهَبُ می‌روم	سَأَذْهَبُ خواهم رفت		
14	متکلم مع الغير (لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ)	نَحْنُ ما	نَا ما (مان)	ذَهَبْنَا رفتیم	مَا ذَهَبْنَا نرفتیم	نَذْهَبُ می‌رویم	لَا نَذْهَبُ نمی‌رویم	سَنَذْهَبُ خواهیم رفت		

* از شش صیغه‌ی غایب و دو صیغه‌ی متکلم فعل مضارع نیز می‌توان فعل امر و نهی ساخت که در سال آینده خواهید خواند.

* با شعر بخوان تفی‌یه کار انجام میدیم: اگه ماضی باشه «ما» میذاریم اگه مضارع باشه «لا» میذاریم

یادآوری افعال و ضمائر طبق روال کتاب

صیغه	ضمیر منفصل	ماضی	ماضی منفی	مضارع	مضارع منفی	مستقبل	امر	نهی
اول شخص مفرد «للمتكلم وحده»	أنا «من»	ذَهَبْتُ رَفْتُم	مَازَهَبْتُ نَرَفْتُم	أُذْهَبُ مِی روم	لَا أُذْهَبُ نمی روم	سوف أُذْهَبُ خواهم رفت		
دوم شخص مفرد مذکر مفرد مذکر مخاطب «للمخاطب»	أنتَ «تو»	ذَهَبْتَ رَفْتِي	مَازَهَبْتَ نَرَفْتِي	تَذْهَبُ مِی روی	لَا تَذْهَبُ نمی روی	سوف تَذْهَبُ خواهی رفت	إِذْهَبْ برو	لَا تَذْهَبْ نرو
دوم شخص مفرد مؤنث مفرد مؤنث مخاطب «للمخاطبة»	أنتِ «تو»	ذَهَبْتِ رَفْتِي	مَازَهَبْتِ نَرَفْتِي	تَذْهَبِينَ مِی روی	لَا تَذْهَبِينَ نمی روی	سوف تَذْهَبِينَ خواهی رفت	إِذْهَبِي برو	لَا تَذْهَبِي نرو
سوم شخص مفرد مذکر مفرد مذکر غایب «للعائب»	هو او	ذَهَبَ رَفَت	مَازَهَبَ نَرَفَت	يَذْهَبُ می رود	لَا يَذْهَبُ نمی رود	سوف يَذْهَبُ خواهد رفت		
سوم شخص مفرد مؤنث مفرد مؤنث غایب «للعائبة»	هي «او»	ذَهَبَتْ رَفَت	مَازَهَبَتْ نَرَفَت	تَذْهَبُ می رود	لَا تَذْهَبُ نمی رود	سوف تَذْهَبُ خواهد رفت		
اول شخص جمع «للمتكلم مع الغير»	نحنُ «ما»	ذَهَبْنَا رَفْتِمْ	مَازَهَبْنَا نَرَفْتِمْ	نَذْهَبُ می رویم	لَا نَذْهَبُ نمی رویم	سوف نَذْهَبُ خواهیم رفت		
دوم شخص جمع مثنی مذکر مخاطب «للمخاطبين»	أنتما «شما»	ذَهَبْتُمَا رَفْتَيْد	مَازَهَبْتُمَا نَرَفْتَيْد	تَذْهَبَانِ می روید	لَا تَذْهَبَانِ نمی روید	سوف تَذْهَبَانِ خواهید رفت	إِذْهَبَا بروید	لَا تَذْهَبَا نروید
دوم شخص جمع مثنی مؤنث مخاطب «للمخاطبتين»	أنتما «شما»	ذَهَبْتُمَا رَفْتَيْد	مَازَهَبْتُمَا نَرَفْتَيْد	تَذْهَبَانِ می روید	لَا تَذْهَبَانِ نمی روید	سوف تَذْهَبَانِ خواهید رفت	إِذْهَبَا بروید	لَا تَذْهَبَا نروید
دوم شخص جمع جمع مذکر مخاطب «للمخاطبين»	أنتم «شما»	ذَهَبْتُمْ رَفْتَيْد	مَازَهَبْتُمْ نَرَفْتَيْد	تَذْهَبُونَ می روید	لَا تَذْهَبُونَ نمی روید	سوف تَذْهَبُونَ خواهید رفت	إِذْهَبُوا بروید	لَا تَذْهَبُوا نروید
دوم شخص جمع جمع مؤنث مخاطب «للمخاطبات»	أنتنَّ «شما»	ذَهَبْتُنَّ رَفْتَيْد	مَازَهَبْتُنَّ نَرَفْتَيْد	تَذْهَبْنَ می روید	لَا تَذْهَبْنَ نمی روید	سوف تَذْهَبْنَ خواهید رفت	إِذْهَبْنَ بروید	لَا تَذْهَبْنَ نروید
سوم شخص جمع مثنی مؤنث غایب «للعائبتين»	هُمَا «آنها»	ذَهَبَا رَفَتَا	مَازَهَبَا نَرَفَتَا	يَذْهَبَانِ می روند	لَا يَذْهَبَانِ نمی روند	سوف يَذْهَبَانِ خواهند رفت		
سوم شخص جمع مثنی مؤنث غایب «للعائبتين»	هُمَا «آنها»	ذَهَبْتَا رَفَتَا	مَازَهَبْتَا نَرَفَتَا	تَذْهَبَانِ می روند	لَا تَذْهَبَانِ نمی روند	سوف تَذْهَبَانِ خواهند رفت		
سوم شخص جمع جمع مذکر غایب «للعائبين»	هُم «آنها»	ذَهَبُوا رَفَتُوا	مَازَهَبُوا نَرَفَتُوا	يَذْهَبُونَ می روند	لَا يَذْهَبُونَ نمی روند	سوف يَذْهَبُونَ خواهند رفت		
سوم شخص جمع جمع مؤنث غایب «للعائبات»	هِنَّ «آنها»	ذَهَبْنَ رَفَتْنَ	مَازَهَبْنَ نَرَفَتْنَ	يَذْهَبْنَ می روند	لَا يَذْهَبْنَ نمی روند	سوف يَذْهَبْنَ خواهند رفت		



ماضی منفی ← (ما + فعل ماضی) ← سَمِعْتُ: شنیدم ← مَاسَمِعْتُ: نشنیدم



مضارع منفی ← (لا + فعل مضارع) ← أَسْمَعُ: می‌شنوم ← لَا أَسْمَعُ: نمی‌شنوم



مستقبل: (سَ، سوفَ + فعل مضارع)

أَسْمَعُ: می‌شنوم ← سوفَ أَسْمَعُ، سَأَسْمَعُ: خواهم شنیدم.



فعل امر: فعل امر را حاضر از صیغه‌های مخاطب (دوم شخص) به ترتیب زیر می‌سازیم:

الف) حرف مضارع (ت) را از اول صیغه‌های مخاطب بر می‌داریم.

ب) فعل را مجزوم می‌کنیم. (مجزوم کردن یعنی حذف ضمه یا نون از آخر فعل مضارع ← صیغه‌ای که آخرش ضمه است، ضمه را بر می‌داریم و به جای آن، سکون می‌گذاریم. در سایر صیغه‌ها نون را از آخر فعل بر می‌داریم بجز صیغه جمع مؤنث که هیچ‌گاه نون آخر آن، حذف نمی‌شود.

اگر حرف بعد از «ت» در فعل مضارع، ساکن باشد، باید به اول فعل امر همزه اضافه کنیم. حرکت همزه به قرار زیر است:

1- اگر فعل مضارع بر وزن «تَفْعِلُ - تَفْعِلَان - تَفْعِلُونَ...» باشد، حرکت همزه، فتحه است.



تُخْرِجُونَ: أَخْرِجُوا

تُجَلِّسُونَ: اجْلِسُوا

2- در صورتی که مضارع بر وزن «تَفْعِلُ...» نباشد، حرکت همزه امر یا کسره است و یا ضمه است. ← کسره: اگر حرکت عین‌الفعل، فتحه یا کسره باشد.



تَفْتَحِينَ: افْتَحِي

تَرْجِعُونَ: ارْجِعُوا

تَسْمَعُونَ: اسْمَعُوا

ضمه: اگر حرکت عین‌الفعل، ضمه است.



تَعْبُدُونَ: اُعْبُدُوا

تَخْرُجُونَ: اُخْرُجُوا

تَكْتُبُونَ: اُكْتُبُوا



فعل نهی: فعل نهی حاضر را از شش صیغه مخاطب (دوم شخص) فعل مضارع به ترتیب زیر می‌سازیم:

الف) به اول فعل، «لای نهی» اضافه می‌کنیم. ب) فعل را مجزوم می‌کنیم.

تَلْعَبُونَ: لَا تَلْعَبُوا ← بازی نکنید

تَجْلِسُونَ: لَا تَجْلِسُوا ← ننشینید

تَكْتُبُونَ: لَا تَكْتُبُوا ← ننویس

14 - ماضی استمراری:

كانَ + فعل مضارع) ← كانَ يَذْهَبُ: می رفت

كانَتْ هولاءِ الطَّالِبَاتُ يَكْتُبْنَ واجِبَهُنَّ ← این دانش آموزان تکلیفشان را می نوشتند.

الرجالُ كانوا يَعْمَلُونَ فِي الْمَعْمَلِ ← مردان در کارگاه کار می کردند.

آیا می دانید که:

1- فعل نفی (منفی) مضارع و نهی در صیغه های جمع مؤنث مثل هم هستند: لَا تَكْتُبْنَ ← نمی نویسید (نفی) ننویسید (نهی)

2- هیچ فعل امر مخاطبی با «لا» منفی نمی شود؛ بلکه ضد فعل امر مخاطب، فعل نهی است.

الْعَبُ ≠ لَا تَلْعَبُ أَنْصَرُوا ≠ لَا تَنْصُرُوا

بازی کن بازی نکن یاری کنید یاری نکنید

3- در بعضی از افعال امر، همزه اضافه نمی کنیم زیرا بعد از حذف «ت» به سکون بر نمی خوریم.

تُعَلِّمُ ← عَلَّمَ تُجَاهِدِينَ ← جَاهَدِي

یاد بده جهاد کن

4- برای جمع های غیر عاقل (غیرانسان)، صفت، ضمائر، اسم های اشاره و افعال و ... به صورت مفرد مؤنث می آید.

البيوت الجميلة الحيوانات ذَهَبَتْ إِلَى الغابة هذه الأخبارُ جديدةٌ

جمع غیر عاقل صفت مفرد مؤنث جمع غیر عاقل فعل مفرد مؤنث اسم شاره جمع مفرد مؤنث
مفرد مؤنث غیرعاقل

5- اسم مثنی و جمع مذکر سالم هر گاه مضاف واقع شوند، نون آخر آن ها حذف می شود.

مضاف نه «أل» داره نه تنوین مثنی و جمعشو بی نون ببین

عَيْنَانِ + ها = عَيْنَاهَا / عَيْنَيْنِ + ها = عَيْنَيْهَا

المُعَلِّمُونَ + المدرسَةُ = معلِّمو المدرسَةِ / المعلمينَ + المدرسَةُ = معلِّمِي المدرسَةِ

التمارين العامة

تمرین اول

تَرجمِ الكلمات التي أُشير إليها بخطّ.

- الف) كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ.
 ج) فيها ضياءٌ و بها حرارةٌ مُنتشرة.
 هـ) أَنْعَمَ اللهُ مِنْهُمْ.
 ز) طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.
- ب) أَنْظِرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتَهَا مُسْتَعْرَةً. /
 د) مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَّةِ. /
 و) وَ زَانَهُ بِأَنْجَمٍ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ. /
 ح) مِنْ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ. /

تمرین دوم

تَرجمِ التّركيبات التّالية إلى الفارسيّة.

- الف) الْغُصُونُ النَّضِرَةَ.
 ج) كَثْرَةُ صَوْمِهِمْ.
- ب) ذُو حِكْمَةٍ بِالْغَةِ.
 د) أَبْوَابٌ مُتَفَرِّقَةٌ.

تمرین سوم

إملاً الفراغ في التّرجمة.

- الف) إِرْحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.
 ب) وَاَعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ.
 ج) وَاَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ.
 د) رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.
 هـ) مَنْ زَانَ اللَّيْلَ بِأَنْجَمٍ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ
 و) أَنْظِرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ؟
- به در زمین است تا در آسمان است
 و کار نیکو همانا من به آنچه
 و یاد نیکو در
 پروردگارا، را با
 شب را با که مثل؟
 به نگاه کن پس چه کسی؟

تمرین چهارم

عَيِّنِ التّرجمة الصّحيّة و التعريب الصّحيح.

- الف) كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ.
 ب) يُخْرِجُ الثَّمَرَ مِنَ الشَّجَرَةِ.
 1) چگونه از دانه‌ای رویاند.
 2) چگونه از دانه‌ای رشد کرد.
- ب) يُخْرِجُ الثَّمَرَ مِنَ الشَّجَرَةِ.
 1) میوه را از درخت درمی‌آورد.
 2) میوه از درخت خارج می‌شود.

ج) مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ؟

- 1) چه کسی است آن که آن را در هوا یافت؟
- 2) چه کسی است آن که آن را در هوا پدید آورد؟
- د) مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.

- 1) هر کس دشمنی بکارد، زیان درو می‌کند.
- 2) هر کسی دوستی کاشت، محبت درو کرد.
- ه) أَنْظِرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.

- 1) به آنکه گفته است بنگر و به آنچه گفته است ننگر.
- 2) به آنچه گفته است بنگر و به آنکه گفته است ننگر.
- و) بِمِ تَسَافِرِينَ إِلَى مَشْهَدٍ؟

- 1) با چه چیزی به مشهد سفر می‌کنی؟
- 2) با چه کسی به مشهد مسافرت می‌کنی؟
- ز) كَانَتْ أَوْلَىكَ التَّلْمِيذَاتُ يَدْهَبْنَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.

- 1) آن دانش‌آموزان بودند که به مدرسه می‌روند.
- 2) آن دانش‌آموزان به مدرسه می‌رفتند.
- ح) این کودکان، مودب هستند.

- 1) هولاء الأطفال مؤدبون.
- 2) هولاء أطفال مؤدبون.
- ط) کارگران خانه‌ای را می‌ساختند.

- 1) الْعَمَالُ يَصْنَعُونَ بَيْتًا.
- 2) كَانَ الْعَمَالُ يَصْنَعُونَ بَيْتًا.

تمرین پنجم

صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ فِي التَّرْجَمَةِ. (خطاهای ترجمه فارسی را تصحیح کنید.)

الف) لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مَتَفَرِّقَةً.

- از یک در وارد نمی‌شوید و از درهای مختلف وارد می‌شوید. (2 خطا)
- ب) كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَلْعَبُ وَحْدَهُ.

- برادر کوچک‌ترم به تنهایی بازی می‌کند. (2 خطا)
- ج) شَجَعْنَا فَرِيقَنَا الْفَائِزَ أَمْسٍ.

- امروز گروه برنده را تشویق می‌کنیم. (3 خطا)
- د) الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ، قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ.

سخنان تو دواست. کم آن شفا می‌دهد و زیاد آن کُشنده است. (2 خطا)



تمرین ششم

تَرْجِمِ الافعالَ التَّالِيَةَ إِلَى الفارسيَّةِ.

- الف) سَنَرَكَبُ. (ب) كُنْتُ أَعْمَلُ: (ج) إِنَّهُضُوا:
 د) لَا تَلْعَبِي: (هـ) سَوْفَ يَأْكُلُنَ: (و) نَصَرْتُ:
 ذ) لَا يَسْمَعُونَ: (ح) كَانَ يَسْتَلِمُ: (ط) اصْبِرْ:



تمرین هفتم

تَرْجِمِ العباراتِ التَّالِيَةَ إِلَى الفارسيَّةِ.

- الف) أَنْظِرْ إِلَى تِلْكَ الشَّجَرَةِ الَّتِي غُصُونُهَا نَضْرَةٌ.
 ب) أَنْعَمَ اللهُ مُنْهَمِرَةً وَهُوَ ذُو حِكْمَةٍ بَالِغَةٍ وَقُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ.
 ج) اِنْحَثْ وَقُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ؟
 د) اللهُ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ الْعِيمِ مَطَرَهُ.
 هـ) جَعَلَ اللهُ الْأَرْضَ بِالْمَطَرِ حَيَّةً.
 و) إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْجَدَ الْقَمَرَ فِي اللَّيْلِ وَزَانَهُ بِأَنْجُمٍ.
 ز) كَانَتْ أُخْتِي الصَّغِيرَةُ تَلْعَبُ فِي غُرْفَتِهَا وَحِذَاهَا.
 ح) يَا أَصْدِقَائِي الْأَعْرَاءَ! أَصْدُقُوا فِي حَيَاتِكُمْ دَائِمًا.
 ط) سَنَشَجِّعُ فَرِيقَنَا الْفَائِزَ فِي الْأُسْبُوعِ الْقَادِمِ.
 ي) طُلَّابُ الْجَامِعَةِ كَانُوا يَجْتَهِدُونَ فِي طَرِيقِ النَّجَاحِ



تمرین هشتم

تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ إِلَى الفارسيَّةِ.

- الف) «... وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللهُ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.»
 ب) «... وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا...»
 ج) «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.»

تمرين فهم

إملا الفراغ بالكلمات المناسبة.

- (الف) نَأْكُلُ في الصَّبَاحِ و الغَدَاءِ في و في اللَّيْلِ.
- (ب) لَوْنُ الغَرَابِ، وَلَوْنُ السَّحَابِ وَلَوْنُ البَحْرِ و لَوْنُ المَوْزِ و لَوْنُ الرَّمَانِ و لَوْنُ الشَّجَرِ
- (ج) أوَّلُ فُصُولِ السَّنَةِ و يَوْمٌ أوَّلُ أَيَّامِ الأَسْبُوعِ.
- (د) الأَعْدَادُ التَّرْتِيبِيَّةُ هِيَ: الأوَّلُ / / الثَّالِثُ / / الخَامِسُ / / السَّابِعُ / / العَاشِرُ / / / / الأَعْدَادُ الأَصْلِيَّةُ هِيَ: وَاحِدٌ / / ثَلَاثَةٌ / / سِتَّةٌ / سَبْعَةٌ / / عَشْرَةٌ / / /

تمرين دهم

عَيِّنِ الكَلِمَةَ الَّتِي لا تُنَاسِبُ الكَلِمَاتِ الأُخْرَى فِي المَعْنَى:

- | | | | | | | | | | |
|--------------------------|--------------|--------------------------|---------------|--------------------------|--------------|--------------------------|-------------|--------------------------|-------------|
| <input type="checkbox"/> | مِشْمِشٌ | <input type="checkbox"/> | بُرْتُقَالٌ | <input type="checkbox"/> | تَمْرٌ | <input type="checkbox"/> | حَاسِبٌ | <input type="checkbox"/> | لَيْمُونٌ |
| <input type="checkbox"/> | أَلْقَمَرٌ | <input type="checkbox"/> | السِّيَّارَةُ | <input type="checkbox"/> | الشَّمْسُ | <input type="checkbox"/> | النَّجْمُ | <input type="checkbox"/> | الكَوَاكِبُ |
| <input type="checkbox"/> | مِصْبَاحٌ | <input type="checkbox"/> | عَامِلٌ | <input type="checkbox"/> | حَلْوَانِيٌّ | <input type="checkbox"/> | شُرْطِيٌّ | <input type="checkbox"/> | خَبَّازٌ |
| <input type="checkbox"/> | مِحَافِظَةٌ | <input type="checkbox"/> | بَلَدٌ | <input type="checkbox"/> | مَدِينَةٌ | <input type="checkbox"/> | قَرْيَةٌ | <input type="checkbox"/> | حَافِلَةٌ |
| <input type="checkbox"/> | الْجَامِعَةُ | <input type="checkbox"/> | الدَّرْسُ | <input type="checkbox"/> | الصَّفِّ | <input type="checkbox"/> | الطَّلِبَةُ | <input type="checkbox"/> | البِئْرُ |
| <input type="checkbox"/> | نَامٌ | <input type="checkbox"/> | نَامَتْ | <input type="checkbox"/> | رَقَدَ | <input type="checkbox"/> | نَمَتْ | <input type="checkbox"/> | |
| <input type="checkbox"/> | عِشَاءٌ | <input type="checkbox"/> | مَسَاءٌ | <input type="checkbox"/> | صَبَاحٌ | <input type="checkbox"/> | نَهَارٌ | <input type="checkbox"/> | |
| <input type="checkbox"/> | مُسْتَشْفَى | <input type="checkbox"/> | مُنْحَفٌ | <input type="checkbox"/> | مُسَجَّلٌ | <input type="checkbox"/> | مُخْتَبَرٌ | <input type="checkbox"/> | |

تمرين يازدهم

عَيِّنِ الفِعْلَ الَّذِي لا يُنَاسِبُ الأَفْعَالَ الأُخْرَى فِي النُّوعِ:

- | | | | | | | | |
|--------------------------|----------------|--------------------------|---------------|--------------------------|--------------|--------------------------|-------------|
| <input type="checkbox"/> | تَكَلَّمَ | <input type="checkbox"/> | تَعَبَ | <input type="checkbox"/> | تَعَالَ | <input type="checkbox"/> | تَصَادَمَ |
| <input type="checkbox"/> | تَرَكَّنَ | <input type="checkbox"/> | يَسِّنُ | <input type="checkbox"/> | حَمَلْنَ | <input type="checkbox"/> | يَجِدْنَ |
| <input type="checkbox"/> | أُعْبُوا | <input type="checkbox"/> | أَخْرَجُوا | <input type="checkbox"/> | أَحْتَرَقُوا | <input type="checkbox"/> | أَنْزَلُوا |
| <input type="checkbox"/> | سَافَرَ | <input type="checkbox"/> | سَأَلْنَ | <input type="checkbox"/> | سَيَسْجُدُ | <input type="checkbox"/> | سَلَّمَتْ |
| <input type="checkbox"/> | لا تَتَرَكَّنَ | <input type="checkbox"/> | لا تَعْبُدُوا | <input type="checkbox"/> | لا تَرْجِعَا | <input type="checkbox"/> | لا أَعْمَلُ |

تمرین دوازدهم

ضعُ في المربعِ العددَ المناسبِ: (كلمةٌ واحدةٌ زائدةٌ)

- | | | |
|-----------------|--------------------------|--|
| 1) الْمُتَحَفِّ | <input type="checkbox"/> | الطَّالِبُ الَّذِي لَا يَنْجَحُ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ. |
| 2) الطَّانِجِ | <input type="checkbox"/> | كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ وَ نَتَنَفَعُ بِنُورِهِ فِي اللَّيْلِ. |
| 3) الرَّسْمِ | <input type="checkbox"/> | مَكَانٌ لِحِفْظِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. |
| 4) الرَّاسِبِ | <input type="checkbox"/> | مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. |
| 5) الْفُسْتَانَ | <input type="checkbox"/> | صِفَةٌ حَسَنَةٌ لِلْحَلِيبِ وَ الْفَاكِهَةِ. |
| 6) الشَّمْسِ | <input type="checkbox"/> | قُدْرَةٌ عَرَضَ الْأَشْيَاءِ بِالْخَطوطِ وَ الْأَلْوَانِ. |
| 7) الْقَمَرِ | | |

تمرین سیزدهم

اُكْتُبْ مفرد الكلمات التالية:

- | | | | | | |
|--------|-------|--------|-------|---------|--------|
| أحجار: | أنجم: | غصون: | أنعم: | صالحات: | شباب: |
| أبحاث: | رياح: | أطعمة: | غرف: | أماكن: | أمراء: |

تمرین چهاردهم

اُكْتُبْ جمع التفسير للكلمات التالية:

- | | | | | | |
|--------|-------|-------|-----|--------|-------|
| مرض: | مريض: | فقير: | نص: | فاكهة: | حب: |
| فريضة: | إسم: | إمام: | يد: | أمة: | زائر: |

تمرین پانزدهم

اُكْتُبْ مرادفاً لكل كلمة:

- | | | | | |
|----------|--------|--------|-------|--------|
| يَوْمٌ = | ضياء = | نعم = | ضع = | سحاب = |
| فريق = | حاول = | جدوة = | وضع = | جاء = |

تمرین شانزدهم

اُكْتُبْ مُضاداً لكل كلمة:

- | | | | | |
|----------|-------|---------|--------|--------|
| يَوْمٌ ≠ | صعب ≠ | استلم ≠ | جلوس ≠ | قليل ≠ |
| صداقة ≠ | | | | |